



کتابخانه ملی و اسناد ملی

کتابخانه ملی و اسناد ملی

بنی فخر خاندان عظیم است

کتابخانه ملی و اسناد ملی

کتابخانه ملی و اسناد ملی

در سنن  
متخلص به پیر  
دیوان میر عبدالوهاب هستی خویی

قصيدة السادسة

سحر پیک دلدار زد حلقه بر در  
به گوشم رسانید پیغام دلبر  
بگفتا نهانی بده مزدگانی  
که دیدار دلدارت آمد میسر  
بدین مژده زبید اگر جانفشانی  
بگفتم بلا اینک این جان و این سر  
تبسمکنان ناگه از در درآمد  
نگار قمر طلعت و ماه منظر  
ز جا جستم آنکه فتادم به پایش  
چو بوسیدمش دست بنشست در بر  
لب شکرینش ز گفتار شیرین  
فرو ریخت از نقل و بادام و شکر  
ز حالم بپرسید و گفتا به شوخی  
همانا ز هجرم فتادی به بستر

روا نیست نوشند می در گلستان  
حریفان به بانگ نی و عود و میزَمَر<sup>۱</sup>  
تو در بستر هجر رنجور و مهجور  
همی‌گردش مهر و مه، سیر اختر  
به کام مراد دل دوستان است  
تو در کنج عزلت ملول و مکر  
بیا تا زمانی به عشرت بکشیم  
بنوشیم می از لب لعل ساغر  
کنون وقت شادی است نی موسم غم  
که آید زمان غم امروز بر سر  
طرب‌خانه کردند عالم سراپا  
شده عشرت‌آباد گیتی سراسر  
به سر، مرغ دولت برافکنده سایه  
همای سعادت گشوده است شهر  
موالید<sup>۲</sup> اندر کنار عناصر  
چو اطفال در عطف دامان مادر  
ز شوق نشاط طرب شاد و خرم  
چه نارس جوان و چه شیخ معمر<sup>۳</sup>

---

۱. میزَمَر: نوعی ساز، نای.

۲. موالید: جمع مولود، فرزندان اینجا مراد موالید ثلاثه است که فرزندان  
عناصر می‌باشند و عبارتند از جماد، نبات و حیوان.

۳. معمر: پیر سالمند..

همه فارغ از غم همه شاد و خرم  
برقصاند با هم فقیر و توانگر  
ز نو امر اسلام بگرفت رونق  
دگر کشور ملک دین یافت زیور  
زهی روز فرخنده صبحی مبارک  
دمید از افق گشت گیتی منور  
کم افتد چنین روز فیروز که امروز  
چو عید غدیر است این عید اکبر  
دهد تهنیت قدسیان و ملائک  
کند حوریان مدح ساقی کوثر  
ز «الیوم اکملت»<sup>۴</sup> دین گشت کامل  
شد این آیه نازل چو در شأن حیدر  
به تبلیغ تجدید عهد ولایت  
فرود آمد از امر حق پیک داور  
چنان گشت تأکید در امر فوری  
نیارست تأخیر زان لحظه دیگر  
نبی از جهاز شتر داد فرمان  
به ناچار ترتیب دادند منبر

---

۴. «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا ...»  
امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم و اسلام  
را برای شما [به عنوان] آیینی برگزیدم (مائده / ۵).

«عَلِيٍّ لَمَوْلَاهُ مِنْ كُنْتِ مَوْلَاهُ»<sup>۵</sup>  
 رسانید بر گوش عالم پیمبر  
 پس از مصطفی لیک بستند پیمان  
 پی نقض میثاق، فحشاء و منکر  
 شود نیز منکر به تصحیف<sup>۶</sup> منکر  
 اگر کاف مفتوح باشد مکسر  
 مساوی در اعداد اسم صفا شد  
 چه مُنْكَر چه منکر، مقدم مؤخر  
 چه نسبت ستمها به سالار دین شد  
 از آن میخ<sup>۷</sup> فتنه و زان بانی شر  
 عنان سخن رفت از دستم آن به  
 شوم ماح باب شُبْر<sup>۸</sup> و شُبْر<sup>۸</sup>  
 دریغا ندارم زمان زیادی  
 کنم ذکر از اوصاف آقای قنبر  
 من و مدح مولا زهی فکر بیجا  
 کجا ذره و وصف خورشید خاور

۵. اشاره به حدیث نبوی: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ» هر که من

مولا و فرمانروای اویم علی مولای او است.

۶. تصحیف: غلط خواندن یا نوشتن کلمه‌ای با پس و پیش کردن حروف یا حرکتی آن.

۷. میخ: ابر.

۸. شُبْر و شبیر: نام مبارک امام حسن و امام حسین علیهما سلام به زبان

عبرانی.

نه وصف جلال تو باشد که گویم  
 تویی قاتل «حارث» و «عمرو» و «عنتر»<sup>۹</sup>  
 ز دست یداللهیات ای یداله  
 عجب نی دریدی به گهواره اژدر<sup>۱۰</sup>  
 از آن صولت و قوت و زور بازو  
 وزان جدّت ذوالفقار دو پیکر  
 هنوز الامان آید از دشت صفین  
 هنوز الحذر خیزد از خاک خیبر  
 چو زد برق تیغ تو بر فرق مرحب<sup>۱۱</sup>  
 گذر کرد از جوشن و خود و مغفر  
 به قعر زمین پهنی ذوالفقارت  
 فرو هشت از بال روح الامین پر  
 اگر دشت هیجا<sup>۱۲</sup> شود پر ز اعدا  
 چو دریا زند موج کز فوج لشکر  
 زنی چون نهنگ اندرون بحر، غوطه  
 دهی تیغ را گر بدان دست، لنگر  
 فضای بیابان شود لُجّهی خون

۹. حارث، عمرو و عنتر از سران مشرکین بودند و عمرو همان عمرو بن عبدود می‌باشد که در غزوه خندق به دست حضرت علی<sup>(ع)</sup> کشته شد.

۱۰. یکی دیگر از افسانه‌ها در حق مولی علی<sup>(ع)</sup> این است که هنگام شیر خوارگی در گهواره مار بسیار بزرگی را به هلاکت می‌رساند.

۱۱. از پهلوانان خیبر که به دست مولی کشته شد.

۱۲. هیجا: کارزار، میدان نبرد.

بدن‌ها نگون در یَم خون شناور  
اجل در دم ذوالفقارت مجسم  
بود مرگ در چشم اعدا مصوّر  
نه دست ستیزی نه پای گریزی  
همه دیده پرخون همه رنگ اصر<sup>۱۳</sup>  
دلیران و گردان<sup>۱۴</sup> و مردان جنگی  
شجاعان و گردن‌کشان دلاور  
سراسیمه چون کو بیابان به هر سو  
چو خیل شغال از نهیب ((غضنفر))<sup>۱۵</sup>  
یلان هنرپیشه آبطال<sup>۱۶</sup> نامی  
سواران رزم آزمای هنرور  
سپر کرده در زیر تیغت یکی جان  
نهاده به پای کمینت یکی سر  
قضا و قدر گوید اندر رکابت  
که منصور و فیروز گردی مظفر  
رسد شهرت<sup>۱۷</sup> گیر و دار تو در بحر  
وزد صرصر<sup>۱۷</sup> تند قهر تو در بر

---

۱۳. اصر: زرد رنگ.

۱۴. گردان: جمع گرد، پهلوانان.

۱۵. از القاب امیرالمومنین (ع) به معنی شجاع و قوی بنیه.

۱۶. پهلوانان.

۱۷. صرصر: باد سرد.

ز دریا به خشکی کند میل ماهی  
ز آتش به دریا نهد رو سمندر  
هیاهوی ((أین المفر))<sup>۱۸</sup> از اعادی<sup>۱۹</sup>  
کند اوج با قبه‌ی چرخ اخضر  
به اعضای مریخ<sup>۲۰</sup> از بیم لرزه  
ز هول افتد از دست بهرام خنجر  
ملائک همی‌گویند از عرش تکبیر  
چو از دل کشی بانگ ((الله اکبر))  
به سرپنجه‌ی قوّت زور و بازو  
ندا آید احسن ز خلاق داور  
اگر لافتی شد به شأن تو نازل  
اگر ((هل اتی))<sup>۲۱</sup> شد به فرق تو افسر  
از آن پای شأن جلال تو ارفع<sup>۲۲</sup>  
وز آن رتبه قدر کمال تو برتر  
به مردی دریدی بریدی و بستی

---

۱۸. اشاره به آیه‌ی «يَقُولُ الْإِنْسَانُ يُؤْمِنُ أَيَّنَّ الْمَفْرَ» آن روز انسان می‌گوید:  
«راه فرار کجاست؟! (قیامه / ۱۰)». که دلالت به احوال روز قیامت دارد.

۱۹. اعادی: دشمنان.

۲۰. مریخ در اسطوره‌ها مظهر جنگ است.

۲۱. آیه اول سوره دهر.

۲۲. ارفع: بلندتر.

لب از «اژدر» از «عمرو» سر، «بند بربر»<sup>۲۳</sup>  
 خدا و نبی اولیا، اوصیا را  
 ولی و وصیّی رئیس و سرور  
 فلک را ملک را و جنّ و بشر را  
 قوامی امامی و هادی و رهبر  
 همانا همه وصف ذات صفات  
 نه یک آیه یک سوره، قرآن سراسر  
 مداد از بحار آید اشجار خامه  
 سماوات سبعه به اطباق دفتر<sup>۲۴</sup>  
 اگر جن با انس گردند یکدل  
 زند از قلم تا دم روز محشر

۲۳. اشاره به سیل‌بند‌های تاریخی در منطقه بامیان افغانستان که معجزه‌آسا بنا شده‌اند و در افواه عموم آمده است: شاه بربر، سلطان بامیان و مناطق اطراف وقتی نتوانست حتی با بکارگیری غلامان بسیار، سد بسازد و جلوی سیل‌های ویرانگر را بگیرد، مرد فقیری از منطقه بربر، به مدینه نزد حضرت علی<sup>(ع)</sup> رفت و از ایشان درخواست کمک کرد. او امام را به منطقه بربر برده به شاه بربر پیشنهاد کرد که برای بستن بندهای آب، از ایشان کمک بگیرند. حضرت با ذوالفقار تکه بزرگی از کوه را کنده و بند ذوالفقار را ساخت. سپس پنج سد دیگر را با پنج انگشت خود بنا کرد تا هم باعث کنترل سیل گردد و هم از آب آن برای آبیاری و گردش آسیاب‌ها استفاده شود. در باورهای مردم بومی، شاه بربر، سلطان این منطقه، پس از آمدن امام علی به این منطقه، و ساختن بندها، دعوت امام را برای اسلام آوردن پذیرفت و مسلمان شد (لی، عجایب تاریخی افغانستان، ۱۳۹۲ش، ص ۴۲-۴۵).

۲۴. اشاره به آیه‌ی «قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لَّكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفَذَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا» بگو اگر دریا برای کلمات پروردگرم مرکب شود، پیش از آنکه کلمات پروردگرم پایان پذیرد، قطعاً دریا پایان می‌یابد، هر چند نظیرش را به مدد [آن] بیاوریم (کهف/ ۱۰۹).

نیارند      طاقت      ز      تاب      فضایل  
 نگارند      عُشری      و      اعشار      کم‌تر  
 ثناگوی      این      آستان      است      عمری  
 غلام      محقر      «حقیر»      ثناگر  
 بفضل      تو      محتاجم      از      عیدیانه  
 در      این      عید      داری      برایم      مقرر  
 که      در      دفتر      جزء      جمع      غلامان  
 شود      نام      من      نقش      چون      سکه      بر      زر  
 الا      تا      چکد      قطره      از      ابر      نیشان<sup>۲۵</sup>  
 الا      تا      صدف      پرورد      لَوْلُو      تر  
 دل      دشمنانت      چو      لعلی      پر      از      خون  
 رخ      دوستانت      چو      یاقوت      احمر  
 سرم      باشد      اندر      چنین      عید      عظاما  
 بگوید      «حقیر»      و      بخواند      قلندر

---

۲۵. ماه نیشان هفتمین ماه از ماه‌های سریانی (رومی) و ماه دوم بهار است و مطابق اردیبهشت فارسی و ثور عرب و تقریباً مطابق است با آوریل فرانسوی. نیشان به معنای شکوفه و گیاهی که در بهار می‌روید هم به کار رفته است. پیامبر اکرم (ص) در فقره شفابخشی و خاصیت آب حاصل از باران در ماه نیشان روایت متعددی دارند.